

آیین دادرسی کیفری

تألیف:

دکتر عاطفه عباسی کلیمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه : عباسی، عاطفه
 عنوان و نام پدیدآور : آیین دادرسی کیفری = Criminal Procedure
 مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۴.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۴۰۴-۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۶۱۸۴۸

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، با ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
 موارد تخلف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

آیین دادرسی کیفری

تألیف: دکتر عاطفه عباسی کلیمانی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۴ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصراً «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ۱۲ فروردین، تقاطع خیابان وحید نظری، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۹۶۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۴۰۴-۹

ISBN: 978-600-193-404-9

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۲۱۶۶۴۹۰۹۹۸
 فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۱۱		بیشگفتار
۱۳		مقدمه
۱۷		بخش اول: کشف جرم تا صدور کیفرخواست
۲۰		فصل یکم: اصول ناظر بر دادرسی
۲۰		۱- اصل قانونی بودن جرایم، مجازاتها و دادرسی
۲۲		۲- فرض بر ائت
۳۳		فصل دوم: متولیان کشف جرم، تحقیق و تعقیب متهم
۳۳		۱- نهاد تعقیب
۳۶		۲- ضابطه دادگستری
۴۰		فصل سوم: سر آغاز تحقیق و تعقیب
۴۱		۱- موانع تعقیب دعوی عمومی
۴۱		۱-۱- ضرورت شکایت شاکی خصوصی
۴۳		۱-۲- مصونیت پارلمانی
۴۳		۳-۱- مصونیت سیاسی
۴۴		۴-۱- مصونیت تشریفاتی
۴۵		۵-۱- جنون
۴۶		۶-۱- اناطه
۴۸		احضار متهم
۵۲		۳- جلب متهم
۵۷		۴- استعلام هویت متهم
۵۷		۵- تفهیم اتهام و دلایل آن به متهم
۶۳		فصل چهارم: از گردآوری ادله تا صدور قرار نهایی
۶۶		۱- گردآوری ادله له و علیه متهم
۶۶		۱-۱- مفهوم دلیل در فرایند اثبات دعوا
۶۷		۱-۱-۱- ادله
۶۹		۱-۱-۲- اثبات
۷۲		۱-۱-۳- دعوا
۷۴		۲-۱- ادوار ادله اثبات کیفری
۷۶		۱-۲-۱- دوره دلایل قانونی
۷۷		۲-۲-۱- دوره دلایل معنوی
۷۸		۳-۱- اصول حاکم بر تحصیل دلیل

- ۱-۳-۱ اصل آزادی تحصیل دلیل ۸۳
- ۱-۳-۲ اصل مشروعیت تحصیل دلیل ۸۵
- یکم: ممنوعیت شکنجه و رفتارهای موهن ۹۱
- دوم: لزوم رعایت حریم خصوصی افراد ۹۸
- ۴-۱ اقسام دلیل کیفری ۱۰۴
- ۱-۴-۱ اقرار ۱۰۶
- ۲-۴-۱ شهادت ۱۰۹
- ۳-۴-۱ سند و نوشته ۱۱۴
- ۴-۴-۱ سوگند ۱۱۶
- ۵-۴-۱ کارشناس ۱۱۸
- ۶-۴-۱ اماره ۱۲۵
- ۷-۴-۱ تفتیش و بازرسی ۱۲۷
- ۸-۴-۱ معاینه محل و تحقیق محلی ۱۳۰
- ۹-۴-۱ ادله دیجیتال ۱۳۲
- یکم: فرایند تحصیل و به کارگیری ادله ۱۳۴
- دوم: اصول حاکم بر حمایت از داده های رایانه ای ۱۳۶
- الف: گردآوری اطلاعات ۱۳۶
- ب: نگهداری اطلاعات ۱۳۷
- پ: به کارگیری اطلاعات ۱۳۹
- ث: امحاء و انتقال اطلاعات ۱۴۰
- ۵-۱ بار اثبات ۱۴۰
- ۱-۵-۱ وارونگی بار اثبات ۱۴۶
- ۲-۵-۱ موضوع اثبات در دعوای کیفری ۱۴۸
- یکم: جرم ۱۴۸
- الف: رکن قانونی ۱۴۹
- ب: رکن مادی ۱۵۲
- یک: اثبات فعل یا ترک فعل ۱۵۲
- دو: اثبات انتساب عمل مجرمانه به مرتکب ۱۵۳
- پ: رکن معنوی ۱۵۳
- یک: جرایم عمدی ۱۵۴
- دو: جرائم غیر عمدی ۱۵۸
- سه: جرائم مادی صرف ۱۵۹
- دوم: مسؤولیت کیفری ۱۶۰
- الف: ارکان مسؤولیت کیفری ۱۶۲

۱۶۴	ب: موانع تحقق مسؤولیت کیفری
۱۶۵	یک: عوامل نافی ادراک
۱۷۱	دو: عوامل نافی اختیار و علم
۱۷۶	سوم: عوامل تعیین کننده و زایل کننده مجازات
۱۷۸	۱-۵-۳- معیار اثبات در دعوای کیفری
۱۷۸	یکم: معیارهای ضروری جهت توجیه شروع تحقیق و ادامه آن
۱۸۱	دوم: معیارهای مربوط به صدور حکم محکومیت یا برائت
۱۸۳	سوم: معیار اثبات در نظام حقوقی ایران
۱۸۵	۲- صدور قرار تأمین
۱۸۶	۱-۲- قرارهای تأمین کیفری غیر سالب آزادی
۱۹۱	۲-۲- بازداشت موقت
۱۹۵	۲-۳- قرار نظارت قضایی
۱۹۷	۳- اظهار نظر نهایی
۱۹۷	۳-۱- قرار منع تعقیب
۱۹۸	۳-۲- قرار موقوفی تعقیب
۱۹۸	۳-۲-۱- قوت متهم
۲۰۰	۳-۲-۲- گذشت شاکی
۲۰۱	۳-۲-۳- عفو
۲۰۳	۳-۲-۴- اعتبار امر مختوم کیفری
۲۰۴	۳-۲-۵- توبه
۲۰۵	۳-۲-۶- نسخ قانون
۲۰۶	۳-۲-۷- مرور زمان
۲۰۸	۳-۳- قرار جلب به دادرسی
۲۰۹	فصل پنجم: تکالیف و اختیارات دادستان
۲۱۰	۱- مقتضی یا ضروری بودن تعقیب
۲۱۷	۲- اختیار دادستان در مخالفت با نظر بازپرس و نحوه حل اختلاف
۲۱۸	۳- صدور کیفرخواست
۲۲۱	فصل ششم: اهم حقوق متهم و شاکی
۲۲۱	۱- امکانات شاکی در تحقق حق دادخواهی
۲۲۲	۱-۱- طرح شکایت
۲۲۴	۱-۲- ابلاغ تصمیمات دادسرا به شاکی و حق اعتراض وی
۲۲۵	۱-۳- درخواست صدور تأمین خواسته
۲۲۵	۱-۴- طرح دعوای خصوصی
۲۲۸	۱-۵- حق شاکی بر استرداد اموال ناشی از جرم

۲۲۹	۱-۶- پرداخت خسارت دادرسی
۲۳۰	۲- حقوق دفاعی متهم
۲۳۰	۲-۱- حق تساوی متهم و شاکی در برابر قاضی و قانون
۲۳۲	۲-۲- حق محاکمه بدون تأخیر ضروری
۲۳۳	۲-۳- استقلال و بی طرفی قاضی در رسیدگی
۲۴۰	۲-۴- لزوم اطلاع دستگیری متهم به خانواده وی
۲۴۱	۲-۵- اعلام حق سکوت به متهم
۲۴۵	۲-۶- تسهیل دسترسی به وکیل و یا امکان بهره مندی از مشاوره حقوقی
۲۵۱	۲-۷- برخورداری از کمک رایگان مترجم
۲۵۲	۲-۸- حق ملاقات مأموران کنسولی با زندانی تبعه بیگانه
۲۵۳	۲-۹- کیفیت سؤالهای مطروحه خطاب به متهم
۲۵۴	۲-۱۰- برخورداری از وقت و تسهیلات مناسب به منظور آمادگی برای دفاع
۲۵۵	۲-۱۱- افشای پرونده برای متهم
۲۵۶	۲-۱۲- اخذ آخرین دفاع متهم

بخش دوم: دادرسی و اجرای حکم قطعی

۲۶۱	فصل اول: مرحله دادرسی
۲۶۱	۱- صلاحیت دادگاه نخستین
۲۶۲	۱-۱- تاریخ کیفری صلاحیت در ایران
۲۶۵	۱-۲- صلاحیت ذاتی و شخصی دادگاه کیفری در قانون ۱۳۹۲
۲۶۹	۱-۳- صلاحیت محلی دادگاه کیفری در قانون ۱۳۹۲
۲۷۰	۱-۴- صلاحیت در فضای سایبر
۲۷۳	۱-۵- حل اختلاف در صلاحیت
۲۷۴	۱-۶- استثناءهای صلاحیت
۲۷۴	۱-۶-۱- اتهام متهمین متعدد
۲۷۵	۱-۶-۲- اتهام واحد منتسب به طفل و بالغ
۲۷۶	۱-۶-۳- اتهام های متعدد متهم واحد
۲۷۶	۱-۶-۴- جرایم خاص اطفال
۲۷۷	۱-۶-۵- صلاحیت خاص دادگاههای کیفری مرکز استان محل وقوع جرم
۲۷۷	۱-۶-۶- صلاحیت خاص دادگاههای کیفری تهران
۲۷۷	۱-۶-۷- احاله
۲۷۸	۱-۷- شورای حل اختلاف
۲۸۱	۱-۸- صلاحیت برون مرزی
۲۸۵	۲- تشریفات رسیدگی
۲۸۶	۲-۱- سر آغاز رسیدگی در دادگاه

۲۸۷	۲-۲- ترتیب رسیدگی.....
۲۸۸	۳-۲- صدور رأی بدوی.....
۲۸۹	۴-۲- تشریفات ویژه دادگاه کیفری یک.....
۲۹۳	۵-۲- لزوم رسیدگی علنی دادگاه به پرونده کیفری.....
۲۹۵	۶-۲- لزوم حضور هیأت منصفه در دعاوی کیفری.....
۲۹۹	۷-۲- تعدد قاضی در رسیدگی به دعاوی.....
۳۰۱	۸-۲- حق همراهی متهم از جانب وکیل دادگستری.....
۳۰۲	۹-۲- حق بهره مندی از مترجم از سوی متهم غیر متکل به زبان دادگاه.....
۳۰۲	۳- لزوم اعمال نظام دادرسی افتراقی در خصوص اطفال.....
۳۱۰	۴- اعتراض به احکام نخستین.....
۳۱۱	۴-۱- واخواهی از رأی غیابی.....
۳۱۲	۴-۲- اعتراض به آراء حضوری بدوی.....
۳۱۴	۴-۲-۱- تشریفات قانونی اعتراض به آراء.....
۳۱۵	۴-۲-۲- کیفیت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان.....
۳۱۹	۴-۲-۳- کیفیت رسیدگی به اعتراض در دیوان عالی کشور.....
۳۲۲	۴-۳- اعتراض به آراء قطعی.....
۳۲۷	فصل دوم: اجرای حکم و سایر اقدامات پس از صدور حکم قطعی.....
۳۲۷	۱- اجرای حکم.....
۳۲۸	۱-۱- رأی لازم الاجرا و نحوه اجرای آن.....
۳۳۰	۱-۲- تعویق اجرای مجازات.....
۳۳۱	۱-۳- نحوه اجرای مجازاتهای بدنی.....
۳۳۲	۱-۴- اجرای مجازات سالب آزادی.....
۳۳۵	۱-۵- اجرای محکومیت های مالی.....
۳۴۰	۲- منع محاکمه مجدد.....
۳۴۴	۳- جبران خسارات متهم بی گناه.....
۳۵۱	فهرست منابع.....

پیشگفتار

امروزه کرامت انسانی و رعایت آن مبنای مقررات حقوق بشر محسوب شده و از آن به عنوان راهبرد نوین سیاست جنایی نام برده می‌شود، راهبردی که حکومتها را متعهد می‌نماید که سیاست جنایی خود را در قلمرو قانونگذاری، قضایی و اجرایی بر پایه کرامت انسانی جهت دهی کنند. در واقع این امر، اراده دولت و حکومت را در فرایند جرم انگاری، دادرسی کیفری، تعیین و اعمال مجازات، محدود و پایبند به ضوابط ویژه ای می‌نماید. کرامت انسانی امری ذاتی بوده و در کلیه مراحل دادرسی کیفری اعم از کشف، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای مجازات، نه تنها از شاکی بلکه از متهمان در پرتو فرض برائت و نیز محرمانی که محکومیت کیفری یافته اند، قابل سلب نمی‌باشد. بنابراین اصل کرامت انسانی هم مقامات قضایی و ضابطان دادگستری را در رعایت شأن انسانی افراد ملزم می‌نماید و هم مرجع قانونگذاری را محدود و پایبند به رعایت کرامت انسانی در وضع قوانین می‌نماید.

تساوی در مقابل دادگاه‌ها، حق دادخواهی و رسیدگی منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، اصل برائت و تضمین‌هایی مانند اطلاع متهم از نوع و علل اتهام، اعطای وقت و تسهیلات کافی برای دفاع و داشتن ارتباط با وکیل منتخب خود، رسیدگی بدون تأخیر غیر موجه، حضور در محاکم صالح قضایی و رسیدگی‌های منصفانه و عادلانه، لزوم اطلاع فرد دستگیر شده از اتهامات خود در اسرع وقت، اصل برائت و تأمین تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع از جمله حق استفاده از وکیل مدافع و حتی تعیین وکیل تسخیری، اختیار پرسیدن سؤال از شهودی که به نفع متهم شهادت می‌دهند و امکان بهره‌مندی از مترجم اگر زبانی که در دادگاه تکلم می‌شود را نمی‌فهمد، مجبور نکردن متهم به شهادت علیه خود، قبول تجدیدنظر قضایی، جبران خسارت در موارد اشتباه قضایی و پذیرش اصل اعتبار امر مختومه و نیز لزوم جبران زیان‌های ناشی از جرم ارتكابی وارده به شاکی، امکان اعتراض کلیه ذینفعان به آراء صادره، لزوم حمایت از بزه‌دیده، شاهد و مطلع در برابر هرگونه خطر بالفعل و باقوه و ... از مهمترین حقوق افراد در فرایند دادرسی کیفری است.

۱۲ □ آیین دادرسی کیفری

با عنایت به تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری و ابلاغ آن در سال جاری ، ضروری است ضوابط ناظر بر دادرسی منصفانه در قانون جدید مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد تا ضمن شناخت بهتر قانون جدید، نقاط ضعف و قوت آن نیز آشکار گردد. در پایان، مراتب سیاس و امتنان اینجانب از همکاری علمی، صمیمانه و ارزشمند سرکار خانم عاطفه اکبری، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، در فرایند چاپ و انتشار این کتاب اعلام می گردد.

www.ketab.ir

مقدمه

آیین دادرسی کیفری در تدوین سیاست جنایی تقنینی هر کشور دارای جایگاه ویژه‌ای است و غالباً متضمن قوانین شکلی آمره است. البته قواعد ماهوی بنیان ساز امور شکلی نیز در این حوزه وجود دارد. این اصول عمدتاً از قانون اساسی اقتباس شده و از قواعد آمره دادرسی و مربوط به نظم عمومی‌اند و توافق برخلاف آنها مؤثر نیست. مقصود از آیین دادرسی کیفری، قواعدی است که برای تأمین، حفظ و حمایت از جامعه و حقوق و آزادی‌های افراد آن به کار گرفته می‌شود و در نهایت هدف سرکوبگری حقوق جزا را نیز تأمین می‌نماید؛ بنابراین سهم قابل ملاحظه‌ای در مبارزه با اعمال مجرمانه بر عهده می‌گیرد. از این رو است که سازمان دهی و تنظیم مقررات این حوزه، مستلزم دقت فراوان است. امروزه تنظیم قواعد دادرسی کیفری آنچنان مهم گردیده که نظام‌های حقوقی مختلف، اصلاحات تقنینی گسترده‌ای را با استفاده از تجارب سایر کشورها در مقررات آیین دادرسی کیفری خود اعمال نموده‌اند تا حمایت شایسته و همه‌جانبه‌ای از حقوق و آزادیهای شهروندان در تمامی مراحل دادرسی به عمل آید.

آیین دادرسی کیفری وفق ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عبارت است از:

«مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به رأی، اجرای رأی، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.»

اصلاحات مندرج در این تعریف نسبت به تعریف مربوط به قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، ناظر به اصول حاکم بر آیین دادرسی و رعایت حقوق متهمان است. هرچند عواملی که باعث این تحول در نظام کیفری می‌شود متعدد است، هدف اصلی از این اصلاحات هماهنگی قواعد مزبور با حقوق بنیادین بشری است و در این میان تفاوتی میان جرایم از نقطه نظر شدت و خفت مجازات‌ها یا اعمال ارتكابی نمی‌باشد.

توضیح آنکه حقوق کیفری با عنایت به مفاهیم و معیارهای حقوق بشر از عوامل توسعه حقوق مزبور در عصر حاضر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی

مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته اند و بارزترین جنبه چنین تأثیری حقوق متهم در برابر دادگاه است. تمامی این فعالیت ها در راستای اجرای عدالت صورت می پذیرد که تحقق آن به معنای عام و عدالت کیفری به معنای خاص همواره در طول تاریخ، آرزوی انسان عدالتخواه بوده و هست. بدیهی است عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه منصفانه ای که در آن در کنار حق دادخواهی شاکی، حقوق و آزادیهای متهم محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت.

بر این اساس بهره مندی از دادرسی عادلانه مبتنی بر فراهم نمودن حق دادخواهی و دفاع می باشد. حق دادخواهی بدان معناست که اگر شهروندی مورد تعدی و تجاوز قرار گرفت بتواند ازادانه و بدون مانع به دادگاهی مستقل، صالح و بی طرف مراجعه و درخواست احقاق حق و رفع ظلم نماید و حق دفاع عبارت است از آن که چنانچه شهروندی مورد اتهام قرار گیرد، بتواند در دادگاهی مستقل و بی طرف از خود دفاع نماید. به عبارت بهتر، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه باید متهم از آنها برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت علیه وی مطرح شده در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، پروتکل دوم اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد در مورد لغو مجازات، کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان به عنوان معاهدات جهانی الزام آور، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها، اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف افراد، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی در خصوص پیشگیری و مجازات شکنجه، کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین، پروتکل شماره ۶ کنوانسیون برای حمایت حقوق بشر و آزادی های بنیادین مربوط به لغاء مجازات اعدام، پروتکل شماره ۷ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان به عنوان معاهدات منطقه ای الزام آور و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر و مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هرگونه اشکال بازداشت یا حبس به عنوان دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر، منابع اصلی قواعد دادرسی عادلانه را تشکیل می دهند.

آیین دادرسی کیفری دارای برخی ویژگی های متمایز کننده این شاخه از حقوق می باشد. از جمله آن که:

جرم موجب اخلال در نظم عمومی و دارای حیثیت عمومی است؛ برخی جرائم مانند قاچاق مواد مخدر، جعل اسکناس و... فاقد حیثیت خصوصی می‌باشند. در این جرائم، نهاد تعقیب به نمایندگی از جامعه و جهت تأمین منافع آن، متهم را تحت تعقیب قرار می‌دهد. لکن این امر نباید منتهی به تضییع حقوق متهم به عنوان یکی از افراد جامعه گردد و همانگونه که پیشتر آمد ضروری است نسبت به تأمین حقوق وی در یک دادرسی عادلانه اقدام گردد.

در کنار این موارد، بسیاری از جرائم علاوه بر حیثیت عمومی، دارای حیثیت خصوصی نیز بوده و علاوه بر اخلال در نظم عمومی، موجب ضرر و زیان به اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌شوند.

ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر نموده که:

« محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی؛

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین. »

بر همین اساس وفق ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دو دعوا اقامه می‌گردد:

« الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم

عمومی

ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص »
دعای عمومی و خصوصی از جهت هدف، ماهیت، طرفین دعوا و... دارای تفاوت‌هایی هستند.

نخست آن که اقامه دعوای عمومی از سوی دادستان و اقامه دعوی خصوصی، توسط خواهان اعم از حقیقی یا حقوقی صورت می‌پذیرد.

همچنین مدعی علیه دعوی عمومی، متهم (شخص حقیقی یا حقوقی) است و بر خلاف دعوای خصوصی در صورت فوت یا حجر وی نمی‌توان علیه قائم مقام قانونی وی اعم از وراثت، وکیل و... اقامه دعوا نمود.

از سوی دیگر هدف از طرح دعوای عمومی برقراری نظم و امنیت عمومی به همراه حفظ منافع متهم است. لذا نهاد تعقیب با طرح دعوی عمومی به دنبال مجازات متهم جهت

تأمین آسایش عمومی جامعه و پیشگیری از تکرار جرم است. حال آن که هدف از اقامه دعوای خصوصی، الزام متعهد به ایفای تعهد و یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم است. علاوه بر این دعوی عمومی که جهت مجازات پدیده مجرمانه صورت می‌پذیرد دارای صبغه اجتماعی و عمومی بوده و قابل انتقال، اسقاط، مصالحه یا استرداد جز در موارد قانونی نیست. مقام قضایی یا هر شخصی که به حکم قانون وظیفه اقامه دعوای عمومی را دارد جز در موارد استثنایی حق توقف دعوا را نخواهند داشت. در حالی که دعوای خصوصی دارای ماهیت شخصی بوده و زیان دیده هر زمان که بخواهد می‌تواند از دعوای خود به طور کلای یا جزئی منصرف شده و آن را مسترد نماید.

در نهایت آن که دعوی عمومی دارای تشریفات اندکی است که بیشتر در جهت تضمین حق دادخواهی شاکی و حق دفاع متهم وضع شده اند لکن دعوی خصوصی تابع ضوابط فراوان آیین دادرسی مدنی از جمله تقدیم دادخواست، پرداخت هزینه های دادرسی و... می‌باشد.

تحقق فرایند دادرسی کیفری مستلزم طی پنج مرحله کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم است. احکام قانونی ناظر بر این مراحل در نظام حقوقی ایران در دو بخش ارائه می‌گردد. بخش اول تحت عنوان «کشف جرم تا صدور کیفرخواست» به بررسی مراحل سه گانه کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و تعقیب و بخش دوم تحت عنوان «دادرسی و اجرای حکم» به بررسی مراحل دادرسی اعم از دادرسی بدوی و عالی و اجرای حکم اعم از براءت و محکومیت اختصاص دارد. شایان ذکر است جهت بیان جامع احکام این مراحل، به فراخور موضوع نسبت به بیان حقوق شاکی و متهم و نیز اصول و قواعد تضمین کننده دادرسی منصفانه در هر بخش پرداخته می‌شود.